

گونه‌شناسی و معرفی سفال‌های عصر آهن کورگان‌های جعفرآباد خداآفرین (فصل اول کاوش)

فرشید ابروانی قدیم^۱

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

سلیمان ممی زاده گیگلو

دانش آموخته کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

(از ص ۳۳ تا ۵۰)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۰۲

چکیده:

مقاله حاضر، پژوهشی در باب طبقه‌بندی و مطالعه سفال‌های بدست آمده از حفاریات علمی کورگان‌های جعفرآباد می‌باشد. کورگان‌ها از جمله تدفین‌هایی هستند که در ایران ناشناخته مانده‌اند و کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. با تحقیق و تفحص بر روی سفال‌های به دست آمده از این قبور، می‌توان گوشه‌ای از فرهنگ و تفکر، باورها، اعتقادات و نحوه زندگی روزمره مردمان و اقوام مرتبط با آنها را روشن ساخت.

هنر سفالگری به دلیل فراوانی و عمومیت و مردمی بودن آن، در هر منطقه ویژگی‌های اقلیمی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری کسانی را نشان می‌دهد که در آن منطقه می‌زیسته‌اند. فرم‌ها و اشکال، رنگ‌ها، نقوش، تزئینات، تکنیک ساخت، شیوه پخت و ... که بر روی این ظروف سفالی ایجاد شده، دربرگیرنده مفاهیمی بسیار با ارزش از شرایط مختلف زندگی اقوام متعلق به آنها و زبان گویایی است که پس از هزاران سال ما را با شیوهی تفکر و قدرت تخیل سازندگان آن آشنا می‌سازد. داده‌های سفالی کورگان‌های جعفرآباد، هرچند که تعداد انگشت‌شماری از کورگان‌های جعفرآباد مورد کاوش قرار گرفته، شیوه زندگی کوچ‌روی را نشان می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش، معرفی فرهنگ کورگان، گونه‌شناسی سفال‌ها و گاهنگاری نسبی آنها بر طبق مجموعه سفال‌های به دست آمده از کورگان‌های جعفرآباد است که از فراوان‌ترین داده‌های این قبور و یکی از مهم‌ترین شواهد و مدارک باستان‌شناسی است.

واژه‌های کلیدی: سفال، کورگان، جعفرآباد، عصر آهن، خدا آفرین.

۱. نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: iravanline@aui.ac.ir

مقدمه

شمال غرب ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و خاص خود، پذیرای فرهنگ‌های مختلف بشری در ادوار گذشته بوده و از پیش از تاریخ تا دوران معاصر، نقش مهمی در فرهنگ‌های خاور نزدیک ایفا کرده است. فرهنگ کورگان از جمله این فرهنگ‌ها است که در عصر مفرغ و آهن در این منطقه و در بسیاری از مناطق دیگر در خارج از محدوده کنونی ایران رایج بوده است (حصاری و، ۱۳۹۱). این فرهنگ به دلیل زندگی کوچ‌نشینی و ایلاتی، بیشتر در مناطق کوهستانی شمال غرب ایران رواج داشته است. بررسی و مطالعه داده‌های بدست آمده از کورگان‌های جعفرآباد خدا آفرین از جمله سفال‌ها که در این پژوهش به آن پرداخته شده، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را از عصر آهن این منطقه ارائه دهد. کورگان‌ها عبارت از گورته‌های باستانی که به صورت برجستگی‌های پشته‌ای یا مدور و یا تپه مانند هستند و بنا به اهمیت و شخصیت و مقام اجتماعی فرد دفن شده، ابعاد و ارتفاع آنها با همدیگر فرق می‌کند. ساختار کورگان‌ها به این صورت بوده که بعد از دفن جسد، روی آن را با مواد مختلفی از قبیل چوب، قلوه سنگ‌ها با اندازه‌های متنوع، تخته سنگ‌ها، لاشه سنگ-ها و خاک رس می‌پوشاندند و در نهایت روی گور به صورت تپه در می‌آمد. در زیر این برجستگی‌ها، چاله تدفینی به اشکال مستطیل، بیضی، دایره‌ای با ابعاد مختلف مستقیماً در خاک کنده شده که بعضاً قبور سردابه‌ای نیز شناسایی شده‌اند. پس از قرار دادن جسد، اشیاء و تدفین‌های حیوانی به عنوان نذورات در چاله تدفین قرار داده شده و فضای آن با خاک نرم پر می‌شد. کورگان‌های جعفرآباد در یک کیلومتری غرب روستای جعفرآباد و یک کیلومتری شرق روستای طوعلی از توابع شهرستان خدا آفرین در استان آذربایجان شرقی در شمال غرب ایران قرار گرفته‌اند. در بررسی سطحی سال ۱۳۸۷ تعداد ۴۰ عدد از کورگان‌های در یک محدوده ۵ کیلومتری در شهرستان خدا آفرین شناسایی شد که ۸ عدد از کورگان‌های در سال ۱۳۸۹ به سرپرستی نگارنده باز گشایی گردید. این کورگان‌های تنها نمونه معماری موجود از اقوام کوچرو مهاجر است که باقی مانده‌اند (Irvani Ghadim, 2011: b26).

سفال به عنوان یکی از کهن‌ترین مصنوع ساخته‌ی دست بشر در مطالعه ارتباطات فرهنگی، گاهنگاری، لایه‌نگاری تطبیقی و مقایسه‌ای، باورهای اعتقادی، زندگی روزمره، تغذیه، تفکر و اندیشه جوامع و انسان گذشته، نقش مهم و اساسی دارد. در طی دوره‌های مختلف، بشر تغییرات و تحولات زیادی در زندگی خود ایجاد کرده است. سفال نیز به عنوان یکی از پرکاربردترین آثار بشر در اکثر ادوار گذشته، از تأثیرات مرتبط با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برکنار نبوده است. همچنین به عنوان یکی از عوامل انتقال مفاهیم که در نتیجه تغییر و تحولات دوران گذشته بوده، ظاهر شده و به وسیله اشکال و تزئینات غنی خود، گویاتر از همه‌ی ساخته‌های بشری، مفاهیم هنری هر دوره را بیان می‌کند. این تحولات را می‌توان علاوه بر موارد تکنیکی ساخت، بر نقوش، جنس و رنگ ایجاد شده بر آثار سفالین مشاهده نمود. روش ساخت سفال‌های مورد مطالعه در این مقاله به دو روش دست ساز و چرخ‌ساز (دور کند و دور تند) بوده و از لحاظ نقش نیز به صورت کنده‌کاری، داغدار، افزوده، خطی و صیقلی مورد تزئین قرار گرفته است.

موقعیت روستای جعفرآباد

روستای جعفرآباد در شهرستان تازه تأسیس خداآفرین به مرکزیت شهر خمارلو با حدود ۴۵ هزار نفر جمعیت در ۲۳۰ کیلومتری شمال شرق تبریز در قسمت شمالی ارسباران (قره‌داغ) واقع شده و با کشور جمهوری آذربایجان هم‌مرز است. منطقه ارسباران در شمال غربی ایران و در شمال استان آذربایجان شرقی واقع شده که با قدمت تاریخی کهن و دیرین خود، مهد تمدنی کهنسال و دارای پیشینه‌ای درخشان می‌باشد. در تقسیمات جغرافیایی در مربعی قرار گرفته که طول شرقی آن ۴۶/۵ و طول غربی آن ۴۷/۵ درجه از نصف‌النهار گرینویچ لندن و عرض جنوبی آن از ۳۸ الی ۳۹/۲ درجه شمالی از خط استوا می‌باشد. این منطقه از شمال به رود ارس، از جنوب به شهرستان‌های تبریز و هریس و از شرق به شهرستان مشکین‌شهر و منطقه‌ی مغان و از غرب به شهرستان مرند محدود است.

سفال

یکی از داده‌های مهم باستان‌شناسی، سفالینه‌ها هستند که سطوح داخلی و خارجی آنها بستر مناسبی جهت اجرای نقش و نگار و ایده‌ها و اندیشه‌های مردمان و هنرمندان، طی قرون گذشته بوده است و از دلایل اهمیت آن، دیدگاه ساختاری و نوع تکنیک ساخت و ویژگی‌های هنری و نقش‌مایه‌های سفالینه‌ها است که بر روی آنها به اجرا در آمده است. سفال‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در واقع سفال‌هایی که از تعداد کمی از کورگان‌های حفاری شده جعفرآباد به دست آمده‌اند اکثراً از طیف‌های کرم و خاکستری می‌باشند.

تکنیک ساخت سفال‌های مورد مطالعه

در ساخت مجموعه سفال‌ها (۴۰ ظرف سالم و ۵۰ قطعه سفال) که در این پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند از دو تکنیک دست‌ساز و چرخ‌ساز (دور تند و کند) استفاده شده است. از مجموعه سفال‌های سالم مذکور تنها دو نمونه از آنها دست‌ساز هستند که یک دیگچه (تصویر شماره ۲- طرح ۳) و یک ظرف مینیاتوری (تصویر شماره ۴- طرح ۳۴) را در بر می‌گیرند؛ سایر ظروف هم از سفال‌های چرخ‌ساز می‌باشند که در بین آنها شش نمونه ظروف از نوع چرخ‌ساز با دور کند هستند که دو کاسه (تصویر شماره ۱- طرح ۱ و ۵)، یک آبخوری (تصویر شماره ۳- طرح ۱۰) و سه دیگچه (تصویر شماره ۲- طرح ۱۵، ۱۹ و ۳۹) را شامل می‌شوند و بقیه چرخ‌ساز با دور تند هستند (نمودار شماره ۱). تکه سفال‌ها هم به غیر از دسته‌ها و الحاقاتی که در بین آنها وجود دارد همه از نوع چرخ‌ساز می‌باشند.

استفاده از چرخ سفالگری در عصر آهن به لحاظ آماری نسبت به دوره قبل (عصر مفرغ) رشد فزاینده‌ای را نشان می‌دهد؛ به طوری که بیش از ۹۸ درصد ظروف خاکستری عصر آهن در محوطه شاخص و غیر شاخص این دوران با چرخ سفالگری شکل گرفته‌اند. این موضوع از یک سو فراگیر شدن استفاده از چرخ سفالگری و از سوی دیگر مطرح شدن سفالگری را به عنوان یک حرفه تخصصی در جوامع عصر آهن آشکار می‌سازد. داده‌های جدید و قدیم نشان می‌دهد که فنون کاملاً پیشرفته چرخ سفالگری در عصر آهن در ساخت بیشتر ظروف، به کار رفته است (طلایی، ۱۳۸۷: ۹۶ - ۹۷).

برای تولید ظروف سفالی کورگان‌های جعفرآباد از خاک رس مجاور رود ارس استفاده شده که وجود ذرات میکا و آهک در سفال‌ها و خاک این منطقه موید آن است. اما به دلیل پیدا نشدن کوره سفالگری، تشخیص دقیق مکان تولید ممکن نیست. همچنین کمبود تکه سفال‌ها در سطح محوطه‌ای که کورگان‌های قرار گرفته و وجود تعداد نسبتاً اندک نمونه سفال‌ها در این قبور، بیانگر تولید سفال در مقیاس کوچک در این جوامع کوچک است. کوچ‌روی بودن و پراکندگی جمعیت و فقدان کنترل اداری از دلایل دیگر عدم تشخیص دقیق مکان تولید نیز می‌باشد. به غیر از نمونه‌های دست‌ساز، در ساخت سفال‌های مورد مطالعه از چرخ سفالگری استفاده شده به طوری که چانه گل بر روی صفحه‌ای که قابلیت چرخش تا ۳۶۰ درجه را داشته، قرار می‌گرفته و ظرف مورد نظر ساخته می‌شده و با توجه به کف صاف و راستی که تمامی ظروف دارند با یک طناب نازک، کف ظرف از صفحه چرخ جدا می‌شده است. بر اساس نقوش (داغدار و کنده) روی سفال‌ها نیز، آلت نوک تیز از ابزارهای مورد نظر برای تزئین سفال‌ها بوده است. از ویژگی کلی ظروف سفالی کورگان‌های می‌توان به توجه بیشتر سفالگر به کیفیت و استحکام سفال نسبت به تزئین و زیبایی آنها اشاره کرد.

شکل دهی ظروف سفالین به عوامل زیادی بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به انتخاب اشکال ظروف از سوی سفالگر، ابزارهای به کار رفته، مواد اولیه استفاده و نهایتاً مهارت سفالگر اشاره کرد. ظروف سفالینی هم که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته دارای اشکال متنوع اما با کاربردهای روزمره است، هرچند که تشخیص دقیق کاربرد ظروف سفالین بدون انجام آزمایش‌های تجزیه عنصری از بدنه ظروف امکان‌پذیر نیست. از میان اشکال ظروف سفالین ذکر شده در سطور بالا، گونه‌های سفالین کورگان‌های جعفرآباد: کاسه‌ها (تصویر شماره ۱)، دیگ و دیگچه‌ها (تصویر شماره ۲)، آبخوری‌ها (تصویر شماره ۳)، سفال‌های مینیاتوری (تصویر شماره ۴)، خمیره‌ها (تصویر شماره ۵)، کوزه‌ها (تصویر شماره ۶)، دیس‌ها (تصویر شماره ۷) و پی سوز (تصویر شماره ۸) را در بر می‌گیرند (تابلو شماره ۱) و (نمودار شماره ۲). صاحبان کورگان‌های به ظروف سفالی اهمیت بیشتری می‌دادند زیرا از وسایل دائمی و مهم زندگی روزمره آنها بوده و حتی بعضی از ظروف با وجود اینکه دارای ناهمواری و تاب‌خوردگی است از آن استفاده کرده‌اند. همچنین ظروفی وجود دارد که دارای شکستگی‌هایی است که در اطرافش سوراخ‌های منظمی وجود دارد که نشان می‌دهد به طریقی مرمت شده‌اند و در قبر هم قرار داده شده‌اند که از ارزش آنها خبر می‌دهد.

تزئینات سفال‌های مورد مطالعه

هر گونه فعالیتی که برای آرایش ظروف سفالی انجام گیرد، تزئین نامیده می‌شود. (طلایی، ۱۳۸۵: ۴۹-۴۸). به طور کلی در بین نقشه‌های هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی، ترکیبی، تنها از نقوش هندسی برای تزئین سفال‌های مورد مطالعه استفاده شده است. این نقوش به صورت کنده، داغدار، افزوده و خطی بر روی سفال‌ها ایجاد شده است. نقوش هندسی یکی از متداول‌ترین و قدیمی‌ترین نقوشی است که برای بیان مفاهیم انتزاعی، مضامین موجود و تزئین انواع ظروف سفالینه از آغاز صنعت سفالگری در مراکز سفالگری مورد استفاده سفالگران قرار گرفته است. تزئینات ایجاد شده بر روی سفال‌های (سالم و قطعه سفال) مورد مطالعه به پنج نوع نقش طبقه‌بندی شده‌اند (نمودار شماره ۳) که عبارتند از:

۱- **نقوش افزوده:** در روش تزئینی افزوده به آماده کردن مواد دیگری، نیازی نیست و با استفاده از گل سفال، نقوش به صورت برجسته بر روی بدنه، دسته، لبه یا دهانه ظرف ظاهر می‌شود. در این روش، سفالگران نقوش مورد نظر خود را جداگانه با گل سفال آماده می‌کردند و سپس بر سطوح ظروفی که هنوز خشک نشده بود می‌چسباندند. از این روش برای افزودن دسته و لوله به ظروف نیز استفاده می‌شود که بیشتر جنبه کاربردی دارد. نقوش افزوده‌ای که در سفال‌های کورگان‌های (سالم و قطعه سفال)، جنبه تزئینی دارند و ۲۶ درصد نقوش را در بر می‌گیرند (نمودار شماره ۳)؛ به صورت یک ردیف دگمه مانند بر روی بدنه به شکل افقی (تصویر شماره ۹- طرح ۶۷)، چهار مثلث رو به پایین شبیه ناخن پرنده بر روی بدنه که نوک آنها به طرفین خم شده (تصویر شماره ۵- طرح ۸)، یک نوار افقی (تصویر شماره ۷- طرح ۱۷، تصویر شماره ۱۰- طرح ۴۹ و ۷۱، تصویر شماره ۹- طرح ۵۲ و ۸۵)، دو نوار افقی (تصویر شماره ۱۰- طرح ۴۶) یک نوار افقی در وسط بدنه ظرف (تصویر شماره ۶- طرح ۷، تصویر شماره ۲- طرح ۲۴)، برجستگی‌های دایره مانند بر روی بدنه (تصویر شماره ۳- طرح ۹، ۳۰ و ۳۵، تصویر شماره ۱۰- طرح ۷۴)، برجستگی‌های دایره مانند به صورت جفتی زیر هم (تصویر شماره ۱۱- طرح ۱۳)، افزوده شدن به ضخامت لبه کاسه در حین ساخت (تصویر شماره ۱- طرح ۱۶ و ۱۸)، زائده برجسته در ابتدا و انتهای دسته ظرف (تصویر شماره ۶- طرح ۲۹، تصویر شماره ۳- طرح ۳۰)، زائده برجسته سوراخ‌دار در بالای دسته (تصویر شماره ۳- طرح ۳۳)، یک دسته کوچک افقی هلالی شکل بدون سوراخ (تصویر شماره ۱- طرح ۲۰)، یک دسته کوچک افقی هلالی شکل سوراخ‌دار (تصویر شماره ۱- طرح ۲۱ و ۲۲، تصویر شماره ۴- طرح ۲۷)، یک دسته کوچک افقی دو سوراخه (تصویر شماره ۱- طرح ۱)، یک دسته کوچک افقی هلالی شکل سه سوراخه (تصویر شماره ۱- طرح ۲۳)، یک دسته کوچک عمودی سوراخ‌دار (تصویر شماره ۵- طرح ۳۱) و یک دسته کوچک قرقره مانند (مدور توپر) با رد انگشت بر روی انتهای آن (تصویر شماره ۸- طرح ۱۱) می‌باشند.

بعضی از این نقوش هم جنبه تزئینی و هم جنبه کاربردی دارد که می‌توان به دسته‌های کوچک و برآمدگی‌های کوچکی به شکل ناخن پرنده اشاره کرد که هم برای گرفتن و نگه‌داشتن ظرف و هم برای تزئین در روی ظروف به کار رفته است.

۲- **نقوش کنده:** در نقوش کنده، تغییرات فیزیکی در سطوح ظروف سفالی به صورت ایجاد نقوش مختلف کنده انجام می‌شود که این عمل با استفاده از یک آلت نوک تیز در مرحله قبل از پخت سفال صورت می‌گیرد. نقوش این نوع تزئین بیشتر نقوش هندسی است. عمل کنده‌کاری زمانی که گل سفال هنوز نرم یا به صورت نیمه خشک بود انجام می‌شد. نقوش کنده سفال‌های کورگان‌های جعفرآباد که ۲۲ درصد نقوش را تشکیل می‌دهند، (نمودار شماره ۳) شامل: باند افقی (تصویر شماره ۱- طرح ۱، ۱۸، ۲۱، ۲۲ و ۲۳، تصویر شماره ۶- طرح ۷، تصویر شماره ۵- طرح ۸، تصویر شماره ۸- طرح ۱۱، تصویر شماره ۷- طرح ۱۲، تصویر شماره ۲- طرح ۱۴، تصویر شماره ۳- طرح ۲۶ و ۳۵، تصویر شماره ۹- طرح ۴۲ و ۶۷، تصویر شماره ۱۰- طرح ۷۲ و ۸۹)، باند عمودی (تصویر شماره ۴- طرح ۲۷)، خطوط موج افقی (تصویر شماره ۱۰- طرح ۷۲ و ۸۹)، خطوط زیگزاگی (تصویر شماره ۹- طرح ۶۰)، شیارهای افقی دور تا دور بدنه (تصویر شماره ۵- طرح ۴۱)، شیارهای عمودی به صورت خیاره (تصویر شماره ۱۰- طرح ۵۰)، دسته مارپیچی (طنابی) (تصویر شماره ۳- طرح ۲۵)، خطوط عمودی (تصویر شماره ۵- طرح ۸)، خطوط مورب (تصویر شماره ۵- طرح ۸)، هاشورهای لوزی شکل (تصویر شماره ۵- طرح ۸) و خطوط افقی (تصویر شماره ۲- طرح ۲ و ۴)، می‌باشند.

۳- نقوش داغدار: در هنگام ساختن ظروف سفالی، قبل از پخت و خشک شدن کامل، ظروف با ابزاری به صورت موردی و مقطعی صیقل می‌شد که در اثر آن، صیقل پس از پخت سفال به حالت تزئین داغدار بر روی سفال ظاهر می‌شد. این نقوش به عنوان روش تزئین سفال‌های خاکستری و سیاه در هزاره سوم ق. م در ایران رایج شده است. این نقوش به صورت هندسی که متفاوت از زمینه‌ی سطوح ظروف بود ایجاد می‌شد و هدف اصلی از آن، ایجاد نقوش تزئینی و در نتیجه حس زیبایی شناختی بود. ۱۴ درصد نقوش سفال‌های کورگان‌های جعفرآباد را نقوش داغدار تشکیل می‌دهند (نمودار شماره ۳) که شامل: خطوط عمودی (تصویر شماره ۲- طرح ۲ و ۴۰، تصویر شماره ۱۵- طرح ۴۵، تصویر شماره ۱- طرح ۱۸ و ۲۳، تصویر شماره ۱۰- طرح ۴۶)، خطوط افقی (تصویر شماره ۱۰- طرح ۴۶، تصویر شماره ۹- طرح ۵۲)، خطوط مورب (تصویر شماره ۲- طرح ۴ و ۴۰، تصویر شماره ۱- طرح ۱۸ و ۲۳، تصویر شماره ۳- طرح ۲۵، تصویر شماره ۹- طرح ۵۷، تصویر شماره ۱۱- طرح ۵۳)، هاشورهای لوزی شکل (تصویر شماره ۲- طرح ۴، ۲۴ و ۴۰، تصویر شماره ۱۰- طرح ۴۶ و ۴۷، تصویر شماره ۹- طرح ۵۲، تصویر شماره ۱- طرح ۲۳)، خطوط زیگزاگ (تصویر شماره ۱- طرح ۱۸ و ۲۳، تصویر شماره ۳- طرح ۳۵)، خطوط راست و چپ که موتیف مربع شکل به وجود آورده است (تصویر شماره ۱- طرح ۲۳)، خطوط مورب، زیگزاگ، مارپیچ و لوزی در میان ۹ پانل یا تابلو که به وسیله خط کلفت تقسیم شده (تصویر شماره ۱- طرح ۲۳) و شش مثلث رو به پایین به وسیله خطوط مورب (تصویر شماره ۳- طرح ۲۵)، هستند. سفال‌های دارای نقوش داغدار از بسیاری از محوطه‌ها، تپه‌ها و قبور عصر مفرغ و آهن از جمله: سگزآباد قزوین، حسنلوی ۴، تپه حصار (III، c)، تپه دین‌خواه، قبور شهریری به دست آمده است.

۴- نقش خطی: این نقش تنها بر روی یک قطعه سفال (تصویر شماره ۱۰- طرح ۵۹) به صورت یک ردیف عمودی وجود دارد. این نوع نقش، قبل از خشک شدن سفال به وسیله ناخن انگشت دست یا یک ابزار دیگر ایجاد می‌شده است.

۵- صیقل کاری: هدف اصلی از صیقل دادن که در سطوح داخلی و خارجی ظروف بدون ایجاد نقش انجام می‌گرفت، صرفاً کاربردی بود. به طوری که عمل صیقل کاری بدنه ظروف سفالین موجب استحکام و فشردگی هر چه بیشتر گل سفال می‌شد و پس از پخت کامل سفال به دلیل ماهیت شکل‌گیری ظروف سفالین سبب جلوگیری از نفوذ مایعات به خارج آن می‌گردید. خود این مسئله هم در صورت استفاده از این ظروف برای پخت و پز در انتقال سریع حرارت به داخل ظرف مؤثر بود (طلایی، ۱۳۸۵: ۵۵). از میان سفال‌های مورد مطالعه در این مقاله اعم از سالم و قطعه سفال، ۱۱ درصد از سفال‌ها، صیقل کاری شده‌اند (نمودار شماره ۳) و عبارت از: کاسه‌ها (تصویر شماره ۱- طرح ۱۶، ۱۸، ۲۰ و ۲۲)، آبخوری‌ها (تصویر شماره ۳- طرح ۲۵، ۲۶)، دیس (تصویر شماره ۷- طرح ۱۷)، دیگچه (تصویر شماره ۲- طرح ۴۰)، خمره (تصویر شماره ۵- طرح ۴۱) و قطعه سفال‌ها (تصویر شماره ۱۰- طرح ۵۰ و ۷۴، تصویر شماره ۱۱- طرح ۵۳) هستند.

نقوش فوق در تعدادی از ظروف و قطعه سفال به صورت ترکیبی به کار رفته که لازم است در این قسمت به آنها پرداخته شود. این نقوش ترکیبی که ۲۶ درصد از نقوش تزئینی را در برمی‌گیرد، عبارت از: نقش داغدار و کنده (تصویر شماره ۲- طرح ۲ و ۴)، نقش داغدار و افزوده (تصویر شماره ۲- طرح ۲۴، تصویر شماره ۱۰- طرح ۴۶ و تصویر شماره ۹- طرح ۵۲)، نقش کنده و افزوده (تصویر شماره ۱- طرح ۱ و ۲۱، تصویر شماره ۶- طرح ۷ تصویر شماره ۸- طرح ۱۱، تصویر شماره ۴- طرح ۲۷ و تصویر شماره ۹- طرح ۶۷)، نقش افزوده و صیقلی (تصویر شماره ۱- طرح ۱۶ و ۲۰،

تصویر شماره ۷- طرح ۱۷، تصویر شماره ۱۰- طرح ۷۴)، نقش داغدار و صیقلی (تصویر شماره ۲- طرح ۴۰، تصویر شماره ۱۱- طرح ۵۳)، نقش کنده و صیقلی (تصویر شماره ۳- طرح ۲۶، تصویر شماره ۵- طرح ۴۱، تصویر شماره ۱۰- طرح ۵۰)، نقش داغدار و کنده و افزوده (تصویر شماره ۵- طرح ۸، تصویر شماره ۱- طرح ۲۳، تصویر شماره ۳- طرح ۳۵)، نقش داغدار و کنده و صیقلی (تصویر شماره ۳- طرح ۲۵)، نقش افزوده و کنده و صیقلی (تصویر شماره ۱- طرح ۲۲) و نقش افزوده و کنده و داغدار و صیقلی (تصویر شماره ۱- طرح ۱۸)، هستند (نمودار شماره ۴).

همان‌طوری که سفال خاکستری در محوطه‌ها و قبور عصر مفرغ و آهن و در مجموعه سفال‌های این دوره به صورت فراوان به دست آمده است، تعدادی از مجموعه سفال‌های کورگان‌های جعفرآباد را نیز در برمی‌گیرد. شاید سختی و استحکام سفال خاکستری نسبت به سایر سفال‌ها (نخودی و قرمز) و همچنین زندگی کوچ‌نشینی صاحبان کورگان‌های، استفاده بیشتر و زیادتر از این گونه سفال‌ها را ایجاب می‌کرد. بیشتر سفال‌های خاکستری که از کورگان‌های به دست آمده دارای لکه‌های سیاه و سوختگی‌هایی است که نشان دهنده قرار گرفتن آنها بر روی اجاق و آتش است. سفال خاکستری، سفالی که خمیره و مغز و پوشش به رنگ خاکستری یا قهوه‌ای متمایل به خاکستری و یا سیاه باشد. این رنگ به دلیل پخته شدن در کوره‌های بسته و عمل احیا در این کوره‌ها می‌باشد. سفال خاکستری در دو مقطع زمانی عصر برنز و عصر آهن در شمال غرب ایران دیده می‌شود. ایجاد نقش بر روی سفال‌های خاکستری با طیف رنگ‌های دیگر، سازگار نیست زیرا رنگ خاکستری مانند رنگ‌های نخودی و قرمز، سایر طیف رنگ‌ها را نشان نمی‌دهد، به همین خاطر این نوع سفال‌ها با تزئینات دیگری از جمله کنده، افزوده و داغدار که اکثراً هندسی هستند، مزین می‌گردد. بیشتر تکه سفال‌ها و ظروف سفالی سالم خاکستری که از کورگان‌های جعفرآباد آذربایجان به دست آمده‌اند، دارای نقوش هندسی داغدار می‌باشند. به طور کلی سفالینه‌هایی که دارای تزئین هستند اعم از سالم و تکه سفال، از نظر آماری ۳۱ درصد سفال‌های کورگان‌های جعفرآباد را به خود اختصاص می‌دهند (نمودار شماره ۵) و از لحاظ تزئینات به ۵ نوع تزئین، کنده، افزوده، داغدار، خطی و صیقلی طبقه‌بندی می‌شوند.

گونه‌شناسی

سفال‌هایی که از کورگان‌های جعفرآباد بدست آمده‌اند، طیف رنگ‌های کرم به تعداد ۲۹ ظرف سالم (۷۲ درصد ظروف سالم) و ۱۲ قطعه (۲۴ درصد قطعه سفال‌ها)، خاکستری به تعداد ۴ ظرف سالم (۱۰ درصد ظروف سالم) و ۲۴ قطعه (۴۸ درصد قطعه سفال‌ها)، قرمز به تعداد ۲ ظرف سالم (۵ درصد ظروف سالم) و ۸ قطعه سفال (۱۶ درصد قطعه سفال‌ها) و قهوه‌ای به تعداد ۵ ظرف سالم (۱۳ درصد ظروف سالم) و ۶ قطعه (۱۲ درصد قطعه سفال‌ها) را تشکیل می‌دهند و درصد زیادی از اشیاء مکشوفه از کورگان‌های را به خود اختصاص می‌دهند اما از لحاظ ظاهر و زیبایی در حد پایینی قرار دارند و بیشتر، کاربرد ظروف مدنظر بوده است. به طور کلی از لحاظ طیف رنگ، سفال کرم رنگ (۴۶ درصد)، خاکستری (۳۱ درصد)، قهوه‌ای (۱۲ درصد) و قرمز (۱۱ درصد) سفالینه‌های کورگان‌های جعفرآباد را تشکیل می‌دهند (نمودار شماره ۶).

در مطالعه حاضر ویژگی سفال‌های عصر آهن کورگان‌های منطقه خدافرین شناسایی شده است و متغیرهایی مانند: شیوه و کیفیت ساخت، نوع شاموت، میزان پخت، رنگ خمیره و پوشش، تزئین و گونه‌های سفال مورد مطالعه قرار گرفته است. به طور کلی تمامی ظروف سفالی سالمی که از کاوش آبان ماه سال

۱۳۸۹ (فصل اول کاوش) از مجموع ۸ کورگان جعفرآباد به دست آمده‌اند و سفال‌های مورد مطالعه این تحقیق را در بر می‌گیرند؛ شامل ۴۰ ظرف سالم در ۸ گونه‌ی کاسه (۸ عدد، ۴ نوع، ۲۰ درصد)، دیگ و دیگچه (۱۱ عدد، ۱ نوع دیگ و چهار نوع دیگچه، ۲۷ درصد)، آبخوری یا مشربه (۹ عدد، ۶ نوع، ۲۲ درصد)، ظروف مینیاتوری (۴ عدد، ۴ نوع، ۱۰ درصد)، کوزه (۲ عدد، ۲ نوع، ۵ درصد)، دیس (۲ عدد، ۲ نوع، ۵ درصد)، خمره (۳ عدد، ۳ نوع، ۸ درصد) و پی-سوز (۱ عدد، ۳ درصد) می‌باشند (نمودار ۲).

از میان قطعه سفال‌ها نیز، ۵۰ قطعه شاخص که تعداد ۱۷ قطعه متعلق به لبه (۳۴ درصد)، ۳ قطعه متعلق به لبه و دسته باهم (۶ درصد)، ۱۷ قطعه متعلق به بدنه (۳۴ درصد)، ۶ قطعه متعلق به دسته (۱۲ درصد) و ۷ قطعه متعلق به کف (۱۴ درصد) می‌باشد، انتخاب و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

مجموعه سفال‌ها از نقطه نظر تکنولوژیکی، همگون نیست. به طوری که سفال‌های خشن و متوسط ۹۰ درصد مجموعه سفال را تشکیل می‌دهند در حالی که کمتر از ۱۰ درصد از این مجموعه را سفال‌های ظریف در بر می‌گیرند. باید اضافه کرد که در این مطالعه، ضخامت متوسط بدنه، پرداخت سطحی ظروف به عنوان شاخص تمایز بین سفال‌های خشن، متوسط و ظریف در نظر گرفته شده است. توزیع و پراکندگی گونه‌های سفالی در داخل قبور یکسان نیست به طوری که از داخل بعضی ۱۶ عدد ظرف و در بعضی دیگر فقط یک ظرف سفالی بدست آمده است. این ظروف در جای خاصی در داخل قبر قرار نداشتند. کاسه‌ها با دسته کوچک افقی سوراخ‌دار و بدون سوراخ و بدون دسته، دیگچه‌ها و آبخوری‌های دسته‌دار از رایج‌ترین ظروفی هستند که در داخل کورگان‌ها نهاده شده‌اند. ظروف را اکثراً در اطراف پاها و معمولاً در اطراف سر مرده قرار می‌دادند. میان تعداد سفالینه‌ها و مسلماً میان اشیای تدفینی و حتی نوع قبرها با سن و جنسیت و شخصیت اجتماعی فرد مرده رابطه وجود دارد. به عنوان مثال، قبر یک فرد معمولی با اشیای کم و خود قبر هم با عمق کمتری در سطح کورگان‌های دفن شده در حالی که یک فرد برجسته و ممتاز همراه با آثار و اشیاء زیاد و جسدش هم در عمق بیشتری در کورگان‌های مدفون گردیده است. علاوه بر این در قبور زنان، اکثراً زیورآلات (النگو، گوشواره، انگشتر و مهره‌هایی از جنس عقیق و خمیره شیشه) و در قبور مردان، بیشتر ادوات جنگی بر اساس وضعیت اجتماعی و مالی آنها قرار داده شده‌اند. لازم به ذکر است که طریقه قرار دادن هدایای تدفین در کورگان‌ها متفاوت بوده به طوری که در بعضی از آنها، هدایا در داخل قبر، در بعضی از کورگان‌های بعد از دفن جسد در قسمت پشت کورگان سکویی درست شده و هدایا بر روی سکو قرار گرفته‌اند، در بعضی نیز هدایا هم در داخل قبر و هم در خارج از قبر در قسمت پشت کورگان قرار گرفته‌اند.

در گونه‌شناسی ظروف سفالی، تفاوت‌های مربوط به سبک و شیوه ساخت آنها، نمودار تغییر تدریجی در ظروف بوده است. هر کدام از سفال‌ها دارای نقش و کاربرد آشکاری در متن جامعه داشته و همه‌ی ظروف از نوع کاربردی بوده و در زندگی روزمره مورد استفاده قرار گرفته‌اند. گونه‌های مختلف سفال با توجه به مطالعه و مقایسه آنها با عصر قبل از آن، استمرار و تداوم آنها را در طول زمان نشان می‌دهد. علاوه بر کاربرد ظروف سفالی، رسوم و سنت‌ها و مقررات نیز در استفاده از آنها مؤثر بوده است. این ظروف به گونه‌های مختلفی تقسیم گردیده و هر گونه‌ای دارای نقش‌ها و کاربردهای متفاوتی در فرهنگ جامعه داشته است (ایروانی قدیم، ۱۳۸۹: ۹۳-۱۰۰).

گاهنگاری

سفال‌های به دست آمده از کورگان‌های جعفرآباد، پس از بررسی و مطالعه و گونه‌شناسی، با سفال‌های گزارش شده از محوطه‌های هم‌جوار عصر آهن مناطق مختلف ایران و خارج از ایران اعم از: کورگان‌های لاریجان خدا آفرین (هزبری نوبری، ۱۳۸۷: ۲۴) تپه حسنلو، دین‌خواه تپه (Muscarella, 1974:45)، هفتون تپه (203-201: Edwards, 1983)، گوی تپه-D (طلایی ۱۳۷۴، ۱۲۴)، کردلر تپه، قبرستان مارلیک، گورستان عصر آهن مسجد کبود تبریز (نوبری ۱۳۸۴، لوح ۳ (۱). ص: ۳۷)، محوطه شهریری (Shahar Yeri) (مشگین شهر، قبور و محوطه‌های جمهوری آذربایجان، گورستان تووزچای (Museyibli et al. 2008: 118-124)، گورستان منطقه شرور (Baxşəliyev, 2008: 38))، گورستان شاه تختی ۲ در نخجوان (Baxşəliyev, 2008:74-207)، قبر سردابه‌ای یوردچو (Yurdçu) نخجوان (Baxşəliyev, 2008: 217)، گورستان کوملوک (Kumluk) (Baxşəliyev, 2008, 117) گورستان خالیکشان (Xali Keşan) نخجوان (Baxşəliyev, 2008: P:126)، گویونوک کلاسی (Göynük Qalası) (Baxşəliyev, 2008:192)، محوطه قیراق کسمن (Girag Kasaman) (Museyibli, 2008: 34)، کورگان خانلار (Güseynova, 1989: 109-122)، کورگان داش کسن (Daş Kəsən) (Avşarova, 2007: 171)، قبرستان‌های ساری تپه (Sarı Təpə) (Güseynova, 1989: 109-122)، گورستان آلبان تپه (Alban təpə) (Baxşəliyev, 2008: 17) و در کشور ترکیه (قبور کارا گوندوز) (Köroğlu, 2008: 139, Fig 4. P: 238) &، دیل کایا، کورکوتپه، نورشون تپه، تپه جیک، تپه ایمیک اوشاغی، یونجاتپه (Köroğlu, 2008, Fig 7,8. 142,143) و تکه سفال‌ها هم با نمونه‌های قبور و محوطه‌هایی از جمله: کورگان لاریجان خداآفرین (هزبری نوبری، ۱۳۸۷، ۲۴)، شهریری مشکین‌شهر، قلعه کاراسو (Kara Su) در جمهوری خودمختار نخجوان (Baxşəliyev, 2008: 43)، محوطه شاملار (Şamlar) در نخجوان (Baxşəliyev, 2008: 243) گورستان ساری دره (Sarı Dərə) در نخجوان (Baxşəliyev, 2008:261)، محوطه کارنی یاریک (Qarni Yarıq)، کیز قالاسی (Qiz Galası)، ایلیکی کایا (İlkili Qaya) و کالاجیک (Qala Ciq) نخجوان و اوغلان کلاسی (Oğlan Kalasi) در نخجوان (Bakhshaliyev, 2009: 99) مقایسه و مطابقت داده شده‌اند و موارد مشابه آنها ذکر شده که با توجه به نتایج آنها، کورگان‌های جعفرآباد متعلق به عصر آهن II هستند (Irvani Ghadim, 2011a:197).

نتیجه

بر اساس موقعیت استراتژیک و جغرافیایی ویژه اعم از پوشش گیاهی غنی و آب و هوای مناسب، منابع آبی فراوان، منابع زیستی چندگانه، شمال غرب ایران نه تنها در ادوار گذشته بلکه امروزه هم برای زندگی مردمان عشایر و کوچ‌نشین، بسیار مناسب است و بیلاق‌ها و قشلاق‌های آن امروزه نیز مورد استفاده دامداران قرار می‌گیرد. کورگان‌های بی‌شمار در حاشیه رود ارس و دامنه کوه‌های نزدیک به آن در خدافرین و کوه‌های ارسباران (قره‌داغ) و سبلان از عوامل پررونق بودن زندگی کوچ‌نشینی و دامداری در طول ادوار مختلف، به خصوص عصر مفرغ و آهن در این منطقه است. شباهت‌های زیادی بین داده‌های فرهنگی کورگان‌های جعفرآباد اعم از سفال، فلز، طرز تدفین و نوع قبور با سایر کورگان‌ها و قبور عصر آهن در مناطق هم‌جوار وجود دارد. از آنجایی که صاحبان کورگان‌ها به مسئله تدفین توجه زیادی داشتند و با توجه به اینکه این اقوام کوچ‌نشین به دلیل زندگی چادرنشینی، معماری خاصی از آنها شناسایی نشده، تنها اثری که از آنها به جای مانده و گویای هنر آنها می‌باشد، قبور یا

کورگان‌های آنهاست. با مطالعه کورگان‌های این جوامع کوچک به این نتیجه می‌رسیم که مردمان آنها به جهان بعد از مرگ اعتقاد خاصی داشتند. همچنین نحوه ساخت قبور و کمیت و کیفیت اشیاء داخل قبور، بیانگر طبقاتی بودن اقوام آن می‌باشد. در واقع ساختار کورگان‌های، نشان از اهمیت قبور و شخص مدفون و مراسم مذهبی برای مرده را دارد. به طوری که کورگان یک فرد عادی، اندازه کوچک‌تر و اشیاء کمتری داشته است. در حالی که فردی با موقعیت اجتماعی ممتاز و برتر دارای کورگان بزرگ‌تر و اشیاء غنی می‌باشد. توزیع و پراکندگی گونه‌های سفالی نیز در داخل قبور یکسان نیست به طوری که از داخل بعضی، ۱۶ عدد ظرف و در بعضی دیگر فقط یک ظرف سفالی به دست آمده است.

به طور کلی در مورد سفال‌های به دست آمده از حفاری علمی کورگان‌های خدافین در شمال غرب ایران می‌توان چنین استنباط کرد که تغییر و تحولات اساسی که در مورد سفال‌ها، در طول عصر آهن شمال غرب ایران اتفاق افتاده، بی‌ارتباط با فرهنگ‌های ماقبل خود نبوده است و این سفال‌ها نه تنها به طور ناگهانی بلکه در یک سیر تحول تدریجی استمرار یافته است. زیرا نمونه‌هایی از این ظروف در عصر مفرغ این منطقه و منطقه هم‌جوار هم رواج داشته است. در این پژوهش، ظروف سفالی سالم (۴۰ ظرف) و تکه سفال‌های شاخص (۵۰ قطعه) هشت کورگان از کورگان‌های جعفرآباد خدافین مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و هدف از مطالعه حاضر، گونه‌شناسی و گاهنگاری نسبی سفال‌ها است.

در ساخت مجموعه سفالینه‌های کورگان‌های جعفرآباد اعم از سالم و تکه سفال، از دو تکنیک دست‌ساز و چرخ‌ساز (دور تند و دور کند) استفاده شده است. از این مجموعه سفال، تنها دو نمونه از ظروف، یک دیگچه و یک ظرف مینیاتوری، دست‌ساز و شش نمونه از ظروف شامل دو کاسه، یک آبخوری و سه دیگچه با چرخ دور کند ساخته شده‌اند و بقیه از نوع چرخ‌ساز با چرخ دور تند هستند.

تزیینات به کار رفته برای سفال‌های کورگان‌های جعفرآباد عبارت از نقوش داغدار، کنده، افزوده، خطی، صیقلی و ترکیبی است. برای تزیین سفال‌های مورد مطالعه، از میان نقش‌های هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی و ترکیبی، تنها از نقوش هندسی استفاده شده و نقوش فوق به شکل کنده، داغدار، افزوده و خطی و به صورت ساده جهت تزیین سفالینه‌ها به کار رفته است. نقوش داغدار که برای تزیین این سفالینه‌ها (سالم و قطعه سفال) به کار رفته شامل: خطوط عمودی، خطوط افقی، خطوط مورب، خطوط زیگزاگ، خطوط موج و هاشورهای لوزی شکل هستند که در قسمت‌های مختلف ظرف، اعم از بدنه، لبه، داخل ظرفی همچون کاسه ایجاد شده است و ۱۴٪ نقوش سفال‌های کورگان‌های جعفرآباد را تشکیل می‌دهد. نقوش کنده که ۲۲٪ نقوش را در برمی‌گیرد شامل: باند افقی، هاشورهای لوزی شکل، مارپیچی، خطوط عمودی، خطوط مورب، خطوط زیگزاگی افقی، خطوط موج افقی و شیارهای افقی و عمودی هستند. ۲۶٪ از نقوش سفال‌ها هم نقوش افزوده می‌باشد که عبارتند از: نوارهای افقی، برجستگی‌های کوچک دایره‌مانند، زائده‌های برجسته در ابتدا و انتهای دسته‌ی ظرف، مثلث رو به پایین شبیه ناخن پرنده با نوک خم شده به طرفین، برجستگی دگمه مانند به صورت افقی، دسته کوچک افقی سوراخ‌دار و بدون سوراخ، دسته کوچک عمودی سوراخ‌دار و دسته کوچک قرقره مانند (مدور توپر) هستند. نقش خطی هم از جمله نقوش تزیینی است که فقط بر روی یکی از قطعه سفال‌ها به صورت یک ردیف عمودی وجود دارد. تعدادی از سفال‌ها هم مورد صیقل‌کاری قرار گرفته‌اند که ۱۱٪ نقوش را تشکیل می‌دهد. همچنین نقوش فوق در تعدادی از سفال‌ها (سالم و قطعه سفال) که ۲۶٪ را تشکیل می‌دهد، به صورت ترکیبی

داغدار و کنده، داغدار و افزوده، کنده و افزوده، افزوده و سیقلی، داغدار و سیقلی، کنده و سیقلی، داغدار و کنده و افزوده، داغدار و کنده و سیقلی، افزوده و کنده و سیقلی، افزوده و کنده و داغدار و سیقلی، به کار رفته است. به طور کلی سفالینه‌هایی که دارای تزئین هستند اعم از سالم و قطعه سفال، از نظر آماری ۳۱٪ سفال‌های کورگان‌های جعفرآباد را به خود اختصاص می‌دهند.

سفال‌های به دست آمده از کورگان‌های جعفرآباد، طیف رنگ‌های کرم (۴۶٪)، خاکستری (۳۱٪)، قرمز (۱۱٪) و قهوه‌ای (۱۲٪) را تشکیل می‌دهند و درصد زیادی از اشیاء مکشوفه از کورگان‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. اما از لحاظ ظاهر و زیبایی در حد پایینی قرار دارند و هم‌همی ظروف از نوع کاربردی بوده و در زندگی روزمره مورد استفاده قرار گرفته‌اند. شاموت سفال‌ها هم، کانی و غیرکانی می‌باشد. نکته قابل توجه در شاموت سفال‌ها این است که ذرات میکا در تمامی تکه سفال‌ها و در بیشتر ظروف سفالی سالم با چشم غیر مسلح دیده می‌شود. به نظر می‌رسد در ساخت این سفال‌ها از میکا به عنوان شاموت استفاده نشده است، بلکه ذرات میکا به طور طبیعی در خاک رس استفاده شده برای ساخت سفال، وجود داشته است.

سفالگران کورگان‌های از مهارت بالایی در تنظیم درجه حرارت کوره برخوردار بوده‌اند. البته بعضاً درجه حرارت ناپایدار در طول حرارت، باعث لکه‌های خاکستری و سیاه روی ظروف شده است. مطالعه و بررسی بر روی سفال‌ها نشان می‌دهد که خمیره بیشتر سفال‌ها متمایل به طیف کرم و خاکستری بوده است. سفالگران کورگان‌های جعفرآباد، عموماً ظروف ساخته شده اعم از جداره درونی و بیرونی را با پوشش گلی غلیظ و رقیق از جنس و رنگ خود سفال می‌آراستند. سفال‌ها از نظر سلامتی و آسیب‌دیدگی در شرایط خوبی به سر می‌برند، این موضوع می‌تواند ناشی از کیفیت خوب سفال‌ها از نظر پخت نیز باشد. اگرچه بیش از ۶۰ درصد سفال‌ها، بدون تزئین است اما تنوع شیوه‌های تزئینی کنده، افزوده و داغدار و یا ترکیبی از همین موارد، نشان از اهمیت این موضوع نزد سفالگران این دوره‌ها را دارد. ظروف سفالین کورگان‌های جعفرآباد از لحاظ فرم و اشکال، ۸ گونه‌ی کاسه (۸ عدد، ۲۰٪)، دیگ و دیگچه (۱۱ عدد، ۲۷٪)، آبخوری یا مشربه (۹ عدد، ۲۲٪)، مینیاتوری (۴ عدد، ۱۰٪)، کوزه (۲ عدد، ۵٪)، دیس (۲ عدد، ۵٪)، خمره (۳ عدد، ۸٪) و پی‌سوز (۱ عدد، ۳٪) را در بر می‌گیرد. قطعه سفال‌ها نیز شامل: ۵۰ قطعه شاخص که تعداد ۱۷ قطعه متعلق به لبه (۳۴٪)، ۳ قطعه متعلق به لبه و دسته باهم (۶٪)، ۱۷ قطعه متعلق به بدنه (۳۴٪)، ۶ قطعه متعلق به دسته (۱۲٪) و ۷ قطعه متعلق به کف (۱۴٪) می‌باشد که ۲۴٪ از این قطعه سفال‌ها را طیف خاکستری رنگ تشکیل می‌دهد. نام‌گذاری اشکال ظروف الزاماً بیان‌کننده کارکرد واقعی آنها نیست و ممکن است که کارکرد دیگری غیر از آنچه ما تصور می‌کنیم، داشته‌اند. با این وجود چنین نام‌گذاری‌هایی بیشتر برای کمک به طبقه‌بندی ظروف بر اساس شکلی است که امروزه برای ما آشنا و جا افتاده است. همه سفال‌ها دارای کارکرد روزمره بودند.

بر اساس مطالعه و بررسی سفال‌ها از نظر بافت، جنس، تزئین، شاموت و پوشش و مقایسه و مطابقت با سفال‌های گزارش شده از محوطه‌های هم‌جوار عصر آهن مناطق مختلف ایران و خارج از ایران، کورگان‌های جعفرآباد خدآفرین به مقطع زمانی عصر آهن II تعلق دارند.

توضیح: تمامی شماره طرح‌های سفال بر اساس کاتالوگ کاوش بر اساس گونه‌های مختلف داده شده است. **سپاسگزاری:** لازم است که در پایان از آقای ایمان افضلی به خاطر طراحی سفال‌های سالم تشکر و قدردانی کنیم.

منابع:

- ایروانی قدیم، فرشید (۱۳۸۹) گزارش حفاری فصل اول کاوش باستان‌شناسی کورگان‌های جعفرآباد، سازمان میراث فرهنگی کشور، نشده، تهران.
- بحرالعلمی شاپورآبادی، فرانک (۱۳۸۶) روش‌های سال‌یابی در باستان‌شناسی، چ ۳، انتشارات سمت، تهران.
- حصاری، مرتضی و علی یاری، احمد (۱۳۹۱) مطالعه و گونه‌شناسی قبور کلان سنگی و تپه‌ای (کورگان) استان اردبیل. مجله مطالعات باستان‌شناسی. شماره ۱، دوره ۴. صص ۱۱۳-۱۳۰.
- طلایی، حسن (۱۳۷۴) باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، چ ۱، انتشارات سمت، تهران.
- «سنت‌ها و شیوه‌های تدفین در عصر آهن ایران (حدود ۸۰۰-۱۴۵۰ ق. م)» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۳-۱۶۲. دوره ۵۱-۵۰، تهران، ۱۳۸۱، صص: ۱۹۲-۱۷۳.
- _____ عصر مفرغ ایران (۱۳۸۵) چ ۱، انتشارات سمت، تهران.
- _____ عصر آهن ایران (۱۳۸۷) چ ۱، انتشارات سمت، تهران.
- ملک‌زاده، فرخ، (۱۳۵۷) «گزارش مقدماتی حفاری ترانشه E تپه قبرستان «مارلیک ۲، دانشگاه تهران، تهران».
- هژبری نوبری، علیرضا، (۱۳۸۷) گزارش حفاری دومین فصل کاوش باستان‌شناختی گورستان لاریجان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، (چاپ نشده).
- هژبری نوبری، علیرضا و مهناز صالحی گروسی، «هنر سفالگری در گورستان مسجد کبود تبریز. مجله باستان پژوهی»، سال اول شماره ۱، تهران، ۱۳۸۴، صص: ۳۸-۳۰.

Bakhshaliyev, Veli and Catherine Marro, 2009, The Archaeology of Nakhichevan Ten Years of New Discoveries. Ege Yayinlari, Istanbul.

Baxşəliyev Vəli, 2008, Naxçıvanın Arxeoloji Abidələri. Baku: «ELM».

Burney, C. and David.M.aLong, 1972, The People of the Hills". New York: Prager.

Dyson, Robert H. 1965, Problems of Protohistoric Iran as Seen from Hasanlu, Jurnal of Near Eastern Studies, 24 (3): 193-217.

_____, 1967, Dinkhatepe, Iran, 5: 136-137.

_____, 1989, The Iron Age Architecture at Hasanlu: Essay, Expedition, 31 (2): 2.

Edwards, Michael, 1983, Excavations in Azarbaijan (North-Western Iran), Haftavan, Period VI, BAR International Series 182.

Gimbutas, M. 1992, Chronologies of Eastern Europe: Neolithic through Neerly Bronz Age, in: Robert Ehrich (ed.), Chronologies in Old World Vol 1 pp. 395-406, Chicago: University of Chicago Press.

Гусейнова, М. А. 1989, Керамика Восточного Закавказья эпохи поздней бронзы и Раннего Железа (XIV- IX вв. До н. 9.). Баку: ЗЛМ.

Iravani Ghadim, F. 2011a, Jafar Abad VIII, Kurgan Kazıları, Kuzeypati Iran". Karadeniz'den Fırat'a Bilgi Üretimi, Önder Bilgi'ye Armağan Yazıları, Ankara, 191-216.

_____. 2011b, M.Ö.Dönemlerden Kalma bir müzik Aleti, NTV Tarih, p: 26.

























Köroğlu, Kemalettin, 2002, The Transition from Bronze Age in Eastern Anatolia, Identifying Changes: The Transition from Bronze to Iron Ages in Anatolia and its Neighboring Regions, Proceedings of the International Workshop, Istanbul, November 8-9. Pp. 231-244.

Köroğlu, Kemalettin, 2008, Comments on the Early/Middle Iron Age Chronology of Lake Van Basin, Ancient Near East Studies, Proceedings of a Symposium held at Ege University, Izmir, Turkey, 25-27 May 2005, Volume XLV, pp, 123-146.

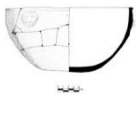

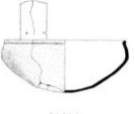

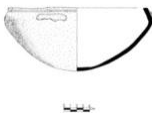

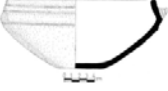

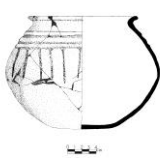
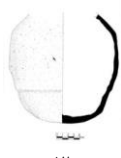
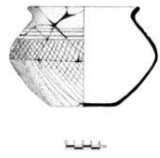
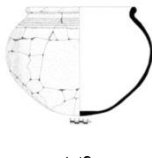
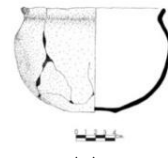


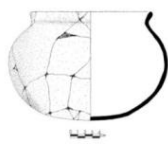
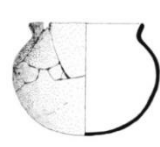
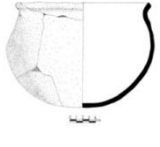


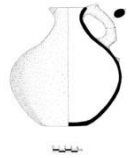






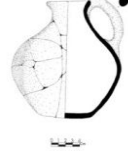
Mert, Osman, 2009, Şaahar Tepesi Bölgede Bulunan Kaya üstü Tasvir, Damga, Yazit ve Kurganlar, A.ü. Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi. Sayı 40, Erzurum, 1-24.

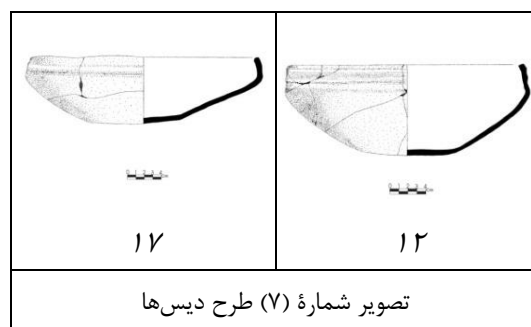
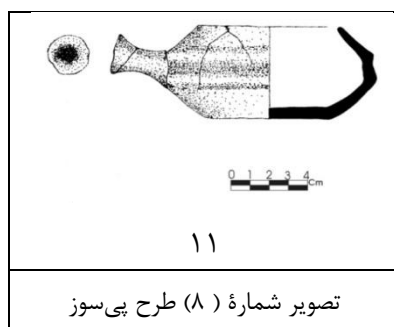
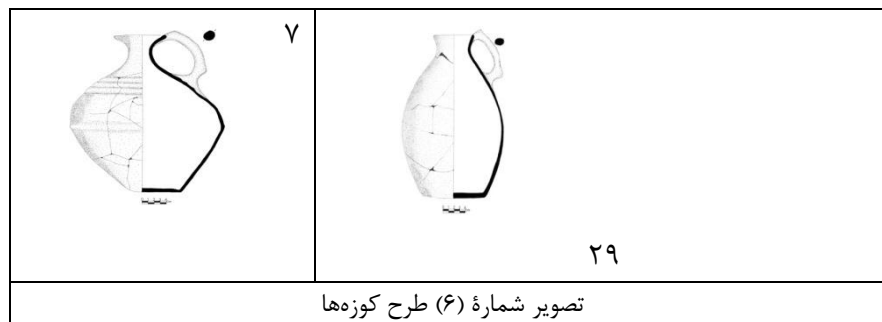
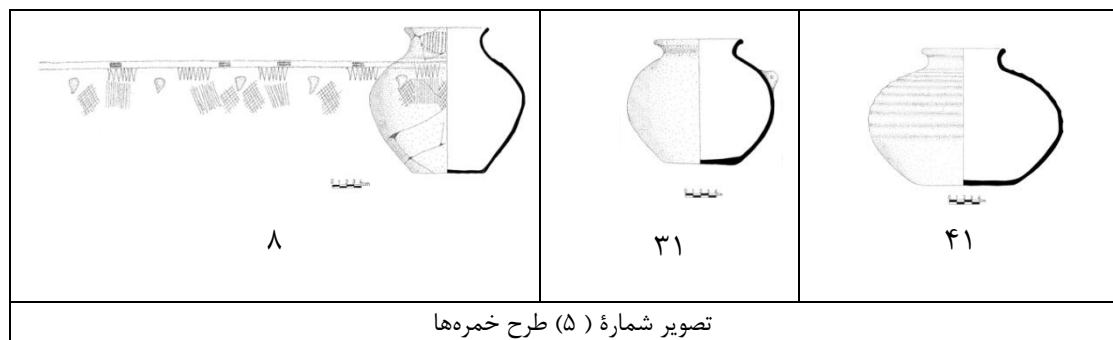
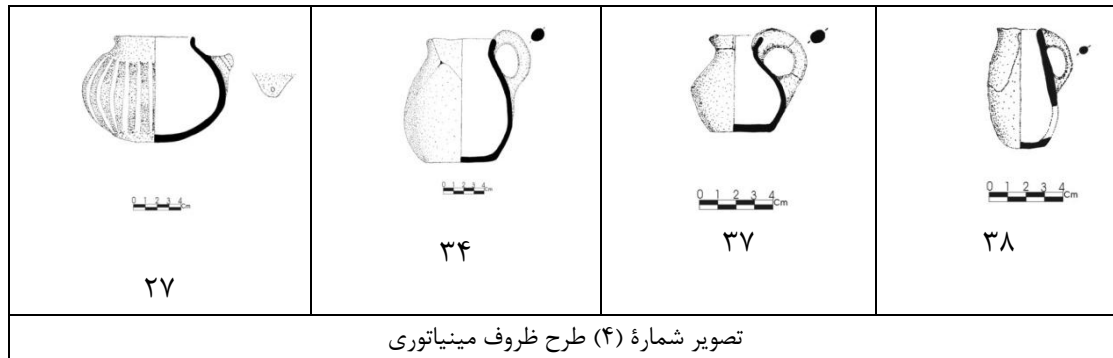
Muscarella, Oscar White, 1968, Excavations at Dinkha Tepe, 1966, The Metropolitan Museum of Art Bulletin, Vol. 27 (3), pp. 187-196.

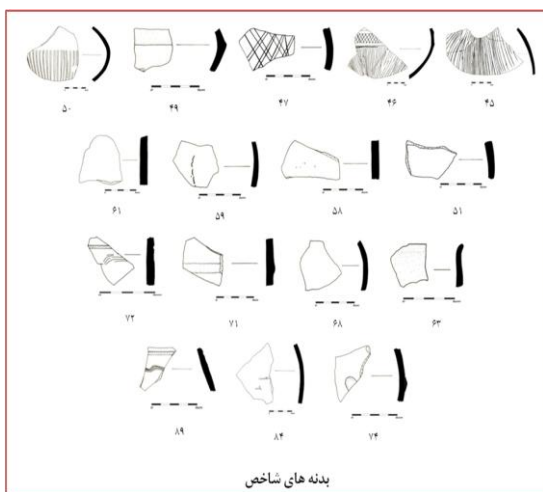
Museyibli, Najaf, Viktor Kvachidze, Shamil Najafov, 2008, Girag Kasaman II Report on Excavations of Girag Kasaman II Site at Kilometre Point 406 of Baku- Tbilisi- Ceyhan and South Caucasus Pipelines Right of Way, Azarbaijan National Academy of Sciences, Institute of Archaeology and Ethnography, Baku-Azerbaijan.

سفال							
ظرف مینیاتوری	پی سوز	دیس	کاسه	دیگچه	گوزه	خمره	آبخوری
 شماره: K10-2	 شماره: K10-10	 شماره: K10-11	 شماره: K10-12	 شماره: K10-13	 شماره: K10-14	 شماره: K10-15	 شماره: K10-16
 شماره: K10-17		 شماره: K10-18	 شماره: K10-19	 شماره: K10-20	 شماره: K10-21	 شماره: K10-22	 شماره: K10-23
 شماره: K10-24			 شماره: K10-25	 شماره: K10-26		 شماره: K10-27	 شماره: K10-28
 شماره: K10-29			 شماره: K10-30	 شماره: K10-31			 شماره: K10-32
			 شماره: K10-33	 شماره: K10-34			 شماره: K10-35
			 شماره: K10-36	 شماره: K10-37			 شماره: K10-38
			 شماره: K10-39	 شماره: K10-40			 شماره: K10-41
			 شماره: K10-42	 شماره: K10-43			 شماره: K10-44
				 شماره: K10-45			 شماره: K10-46
				 شماره: K10-47			
				 شماره: K10-48			

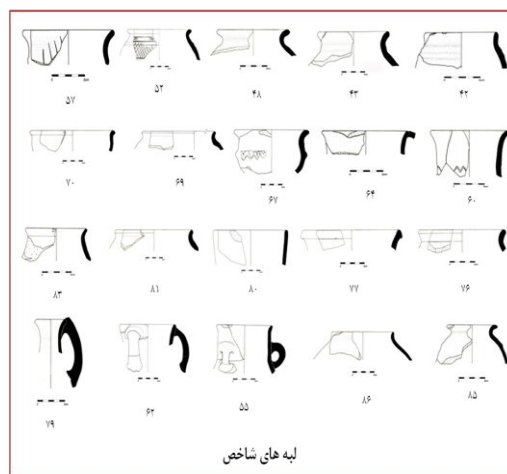
تابلو شماره (۱) گونه‌شناسی ظروف سفالی مکشوفه از کورگان‌های جعفرآباد

 ۱	 ۵	 ۱۶	 ۱۸		
 ۲۰	 ۲۱	 ۲۲	 ۲۳		
تصویر شماره (۱) طرح کاسه‌ها					
 ۲	 ۳	 ۴	 ۱۴	 ۱۵	 ۱۹
 ۲۴	 ۲۸	 ۳۲	 ۳۹	 ۴۰	
تصویر شماره (۲) طرح دیگ و دیگچه‌ها					
 ۶	 ۹	 ۱۰	 ۲۵	 ۲۶	
 ۳۰	 ۳۳	 ۳۵	 ۳۶		
تصویر شماره (۳) طرح آبخوری‌ها					

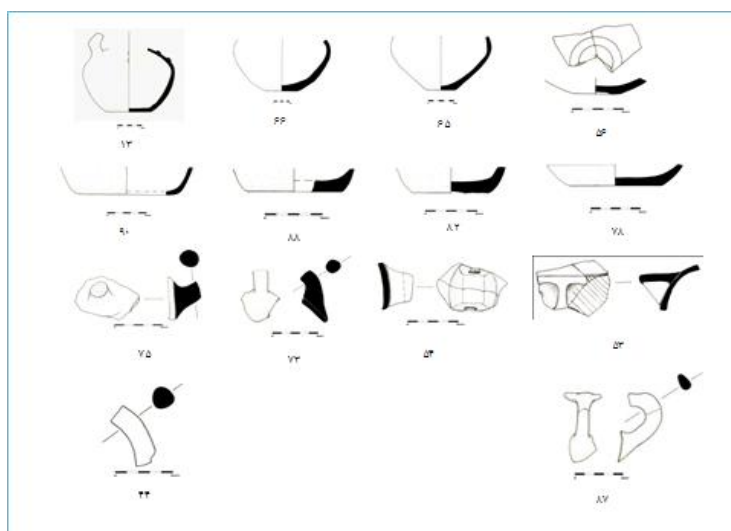




تصویر شماره (۱۰) طرح بادنه‌های شاخص تصویر شماره



تصویر شماره (۹) طرح لبه‌های شاخص



تصویر شماره (۱۱) طرح کف‌ها و دسته‌های شاخص تصویر

